

وقتی انسان بخواهد در دنیایی که سراسر بی‌فکری است، فکر کند تنها می‌شود.

شماره پرسش: ۱۴۴۰۱

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ ۰۲:۴۲:۴۲

متن پرسش

باسمه تعالی با سلام: استاد بنده با توجه به پیگیری مباحث دینی و سیر شما غم زیاد و دلتنگی و بی‌قراری را در خود حس می‌کنم. و گاهی اوقات احساس می‌کنم در این دنیا نیستم یعنی شادی‌هایی را که دیگران حس می‌کنند برایم محسوس نیست آیا در سیر این طبیعی است یا دچار افسردگی شده‌ام؟ گاهی غمها را این‌طور تعبیر می‌کنم که با این هم‌جنگ و جدال و ناحق‌کشی مگر دل انسان سنگ باشد که دلتنگ و ناراحت نشود و به قول شاعر «بنی آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک گوهرند / چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مشکل همین است که وقتی انسان بخواهد در دنیایی که سراسر بی‌فکری است، فکر کند تنها می‌شود. حال حساب کنید چقدر هنر می‌خواهد که «دل با یار و دست در کار» باشد و از مردم فاصله نگیریم. موفق باشید